

قالب بویک



همزمان با پخش «سوجان» درباره سریال هایی نوشتیم که در شمال کشور مقابل دوربین رفتند

قصه هایی با بوی جنگل و دریا

۴۱۰



درباره سریال شبکه تماشا که روایتی از مبارزات ضد نژاد پرستی دارد

ماجرای جویی
در تشکیلات زیرزمینی

۶۱۰



گپ و گفت با پروین ملکی درباره دنیای بازیگری، از تلویزیون تا سینما

۲۵ سال
با نقش مادر

۳۱۰



نگاهی به یک پویانمایی که از کتابی کهن برداشت شده است

هزار و یک شب
با نگین هفت دریا

۲۱۰

آگهی مزایده
۱۴۰۳/۳۴۷۳ / خودرو و حضوری
مرکز فروش کوثر
شرح در صفحه ۸

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم ۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com

برای زادروز کسی که از زیستن لذت می‌برد، حتی به غلط! **آرامش عصیانگر بعد از ۵ سالگی**

نوشین مجلسی

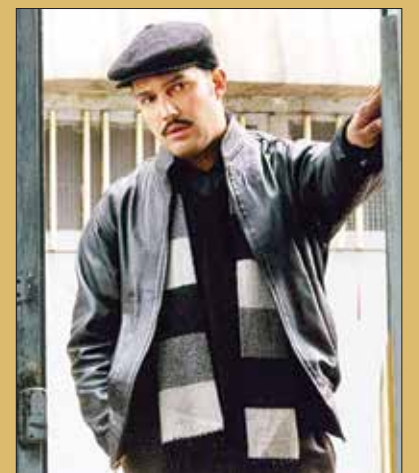
سردبیر

قاصد کوچک



هر چند دوره این حرف‌ها گذشته است که یک بازیگر را با عنوان دهان پرکن و عجیب و غریب بخوانند؛ اما هنوز خاطرم آن هست کنار نام برخی از هنرپیشه‌های مشهور چه صفاتی ردیف می‌شد. مثلاً «عصیانگر» همیشه هم ردیف اسم حامد بهداد بود. کسی که هر چند در اوج جوانی هم شماری از نقش‌های آرام در کارنامه‌اش داشت اما هر چه در مقالات ژورنالیستی و جدال‌های کلامی سراغش را بگیری به واژه‌هایی هم معنی با عصیان می‌رسی. واژه‌هایی از جنس شور جوانی و ضد کلیشه‌ها. البته حرارتی که او در ایفای نقش‌هایش، حتی در یک سکانس کوتاه به خرج می‌داد و در مصاحبه‌های تصویری‌اش از خود به نمایش می‌گذاشت این روزها رنگ آرامش به خود گرفته است. گویی او که نیم قرن حیات را طی کرده، دیگر آن شلوغ‌کاری‌ها رسانه‌ای را پشت سر گذاشته است. امروز ۵۰ و یکمین زادروز این هنرپیشه خراسانی است که آخرین حضورش در قاصد تلویزیون به نوروز بازمی‌گردد. سال مخاطبان شبکه نسیم با حضور وی در این شبکه تحویل شد. بازیگری که گرچه چند سالی است که از آثار نمایشی جعبه جادو دور بوده اما هرازگاهی با حضور در این رسانه با بینندگان سراسر کشور تجدید دیدار می‌کند.

مخاطبانی که هنوز او را همان جوانک سر به هوای سریال «همسفر» می‌دانند که عشق سرعت بود و پول‌هایش را برای شرط‌بندی یک شبه به باد می‌داد. بینندگان همچنان لحن خاص دیالوگ‌گویی‌های‌اش در سریال «شب آفتابی» را به خاطر دارند و آن سکانس پایانی چاقو خوردن و جان دادن در جوی آب. ایفای نقش با تنی لزان در پیراهنی سفید غرق خون، زیر قطرات باران که بر آن حمله‌ور شده است و خداحافظی سوزناک از رفیقی خوش مرام. دیگر تصویر ماندگار از او در ذهن مخاطبان تلویزیون، به سریال یک مشت پر عقاب باز می‌گردد. تصویر برادری عاشق با نام امیرحسین دانشور که در پی خوانخواهی خواهرش خطر می‌کند و در این راه پایش به مبارزات انقلابی نیز باز می‌شود. این مسیر ادامه می‌یابد تا به آخرین نقش آفرینی او در تلویزیون در سریال «کیمیا» می‌رسیم؛ نقشی متفاوت در کارنامه هر بازیگر. شخصیت یک شهید شهیر مدافع وطن، محمد جهان‌آرا که در چند نماز این سریال ماندگار شد. او پس از سال ۱۳۹۴ گاهی در برنامه‌های سیما حضور یافت اما دیگر نقش تلویزیونی را به عهده نگرفته است و بیشتر در شبکه نمایش خانگی و سینما دیده می‌شود. البته حضور خاطره‌انگیزش در این قاصد آنقدر تماشایی است که نمی‌توان یادش را از این فضا دور دانست و او را در حصار عرصه یک رسانه محدود کرد.



نگاهی به یک پویانمایی که از کتابی کهن برداشت شده است

هزارویک شب بانگین هفت دریا

هزار و یک شب، کتابی کهن از ادبیات ایران است که در آن قصه‌های بسیاری برای اقتباس نمایشی وجود دارد. یکی از این موارد به صورت برداشت آزاد در یک پویانمایی تلویزیونی صورت گرفته است. فیلم «نگین هفت دریا» به کارگردانی عباس محبی، محصول مرکز صبا، یکی از روایت‌های این کتاب را دستمایه‌ای برای فیلمنامه خود قرار داد. این پویانمایی علاوه بر داستانی جذاب، از طراحی فضای مطلوب و خوب برخوردار است. همچنین یکی از شاخص‌های بارز این پروژه را می‌توان موسیقی متن آن دانست. در ادامه نگاهی به این اثر انداخته‌ایم.

پویانمایی
و تلویزیون

آرمیتا علی‌رضایی

ازاهالی قلم

برگ اول

درباره پویانمایی

پویانمایی نگین هفت دریا سال ۱۳۹۱ در یک قسمت ۸۵ دقیقه‌ای و با تکنیک سه‌بعدی به کارگردانی عباس محبی و تهیه‌کنندگی مرکز پویانمایی صبا ساخته شده است. مهدی ابوهاشم، نویسنده و داود مقدمی، طراح شخصیت این پویانمایی است. محبی در گفت‌وگویی درباره این اثر بیان کرده بود: نگین هفت دریا با اقتباس آزاد از یکی از داستان‌های «هزار و یک شب» نوشته شده و علاوه بر داستانی جذاب، از طراحی و فضای مطلوب و خوبی نیز برخوردار است. این پروژه با استفاده از ۲۰ هنرمند و پیش‌تولید سنگینی که داشت، جزو پروژه‌های سطح الف مرکز پویانمایی صبا قرار گرفته و از شاخص‌های بارز این پروژه، موسیقی متن آن است که در یکی از استودیوهای معتبر کشور هلند در حال ساخت است. به علاوه در تولید کلیه مراحل پروژه، تلاش شده با استفاده از هنرمندان و متخصصان حرفه‌ای با در نظر گرفتن استانداردهای جهانی، کیفیت خوب و مطلوبی ارائه شود. محبی با بیان این‌که، انیمیشن نگین هفت دریا برای گروه سنی نوجوان و مخاطب عام تولید شده است، گفت: پیام این انیمیشن، نمایش گوشه‌هایی از ظلم و ستم پادشاهان و حاکمان، بیان جایگاه والای انسان و به تصویر کشیدن نبرد خیر و شر و در نهایت پیروزی خیر بر شر است.

برگ دوم

قصه چیست؟

نگین هفت دریا، جزیره‌ای زیبا از زمرد سبزه است که مرکز ثقل جهان بوده و خورشید از آنجا طلوع و در همان جا غروب می‌کند. در روزگاری دور که هنوز خورشید از مغرب طلوع می‌کرد، حاکم ظالم و نادانی بر مردم شهر حکومت می‌کرد. حاکم توسط نیروی شیطانی و جادوی موجودی به نام یملیخا کنترل می‌شد که سال‌ها قبل توسط حکیم بزرگ طلسم شده بود. یملیخا برای این‌که طلسم را بشکند و به اهداف شیطانی خود برسد، حاکم را فریب می‌دهد تا مردان شهر را در بند کند. یکی از نوادگان حکیم بزرگوار، تنها کسی است که می‌تواند به آخر دنیا سفر کند و از هفت دریا بگذرد تا به نگین آن برسد و طلسم را بشکند.

برگ سوم

درباره کتاب

هزار و یک شب (الف لیله و لیله) داستانی درباره پادشاهی با عنوان شهریار و رویانگر آن شهرزاد است. اکثر ماجراهای آن در بغداد و ایران باستان می‌گذرد. این اثر در قرن‌های متمادی با ذوق نویسندگان، مترجمان و محققان مختلف در سراسر آسیای غربی، مرکزی، جنوبی و شمال آفریقا گردآوری شده است.

برگ چهارم

ماجرای هفت دریا

قصه‌ای از این کتاب به ماجراهای جانشاه و گذر از هفت دریا اختصاص دارد. ماجرا از این قرار است: «در روزگاران پیشین مردی حکیم و دانا، کتاب‌های بسیاری نوشته بود اما فقط پنج ورق از آثار او بر جای می‌ماند. وی ورق‌ها را داخل صندوقی می‌گذارد و آن را به همسرش می‌دهد تا پس از مرگش به فرزندش که هنوز متولد نشده، بسپارد. فرزند متولد می‌شود و به سن جوانی می‌رسد، سپس...» از این قصه تاکنون چند فیلم و انیمیشن خارجی نیز ساخته شده است. برای مثال در انیمیشن «سندباد: افسانه هفت دریا» نیز می‌بینیم: سندباد از سوی اریس، مامور به سرقت بردن کتاب صلح شده است. او باید در این حین به قلمروی خود رفته و دوست دوران کودکی‌اش، شاهزاده پروتوس را نجات دهد. هفت دریا که در متون قدیمی «هفت آب و هفت بحر» و «هفت محیط» نیز نامیده شده، اصطلاحی است که در ادبیات بسیاری از کشورهای خاورمیانه و اروپایی به‌کار برده شده است و در هر دوره یا مکان به مجموعه‌های گوناگونی از دریاها اشاره داشته است.



گپ و گفت با پروین ملکی درباره دنیای بازیگری، از تلویزیون تا سینما

۲۵ سال با نقش مادر



زهرا عباسی

روزنامه نگار



پروین ملکی بازیگری است که حدود ۲۵ سال پیش با تلویزیون آغاز به همکاری کرد. او توانست با تجربیات زیسته و ارتباطات انسانی اش به دنیای هنر پا بگذارد. ملکی که در کارنامه کاری اش آثار ماندگاری همچون آژانس دوستی، پشت کنکوری ها، من یک مستاجریم، متهم گریخت و ترش و شیرین به چشم می خورد، توانسته در نقش های مادری به خوبی بدرخشد. او در این مسیر تجربه همکاری با هنرمندان بزرگی را کسب کرده است که خاطرات ماندگاری را برایش رقم زده اند. به همین مناسبت، جام جم با این بازیگر پیشکسوت گفت و گویی ترتیب داده است که در زیر می خوانید.

میلاد، تماشاچیان خانم جیغ می کشیدند و گریه می کردند. صحنه احساسی ای بود که مردم را تحت تاثیر قرار داد.

۱) در مواجهه با مردم بیشتر چه بازخوردهایی می گیرید و چه تاثیری در تعاملات شما داشته؟

اغلب در مواجهه با مردم به صدایم اشاره می کنند. حتی پیش آمده که از پشت سر هم من را شناخته اند. مردم محبت دارند و هر جایی می گردم، عکس می گیرند. از باغبان و راننده تا مهندس، با همه عکس می اندازم. بعضی ها حتی نام فیلم و سریال ها را هم خاطرشان نیست، اما می گویند مصادی شما را خیلی دوست داریم و وقتی فیلم شما پخش می شود، همه می نشینیم و تماشا می کنیم.

۲) با چه کارگردان هایی کار کرده اید؟ دوست دارید امکان همکاری با کدام یک از آنها مجدداً برای شما اتفاق بیفتد؟

با کارگردان های زیادی همکاری داشتم. رسول صدرعاملی، بهروز شعبانی، فریدون جیرانی، رضا عطاران، کمال تبریزی، حسن فتحی و خیلی های دیگر که الان حضور ذهن ندارم. همه کارهایی را دوست دارم و در همکاری با هر کدام از این بزرگان تجربه ای کسب کرده ام.

۳) گفته بودید در شروع ورودتان به عرصه بازیگری بدله گویی تان مورد توجه قرار گرفته بود. آیا این خصیصه در بازی به کارتان آمد؟

بله. معمولاً عادت دارم در جریان کار جوک تعریف کنم. در سریال جیران، همان طور که گفتیم نقش مادر بزرگ سیاوش را داشتم. در پشت صحنه زیاد جوک می گفتم. این باعث شد که آقای فتحی هم جوک بگویند و من می خندیدم. آقای فتحی یک بار گفت که یک پسری شب قبل از خواب شیشه آب خالی را بالای سرش گذاشت. صبح مادرش از او پرسید: مادر چرا شیشه خالی گذاشتی بالای سرت؟ پسر گفت فکر کردم دیدم ممکن است تشنه نشوم! عوامل می گفتند آقای فتحی جوک نمی گفت، ولی برای شما این کار را کرد. همیشه روحیه بدله گویی را در مراوداتم با عوامل و دوستان و هنروران حفظ می کنم. دوست ندارم نوع ارتباطم با دیگر همکارانم سرد و بی روح باشد. پیش آمده که بازیگری جواب سلام هنروران را ندهد. این رفتار را نمی پسندم و تمام تلاشم این است که من چنین نباشم. حتی گاهی ناهارم را می برم و با هنروران همسفره می شوم.

۴) جدیداً پیشنهاد کاری دارید؟

در آخرین پیشنهاد کاری گفتند شما را برای نقش مادری شمالی در نظر داریم. اغلب می گویند چهره و بازی تان به زنان شمالی نزدیک است. البته گفته اند که این پروژه چند ماه دیگر انجام می شود. نقش های زیادی در فیلم هایی با ژانرهای متفاوت بازی کرده ام. از ژانرهای خانوادگی و اجتماعی گرفته تا کمدی. در «بانک زده ها» که فیلمی کمدی است با نسرين مقالولی عزیز همبازی بودم. ایشان نقش دخترم را بازی می کردند. البته چهار دختر داشتم که دزد بودند و من اطلاع نداشتم.

۵) با کدام یک از همکاران بازیگران در ارتباط هستید؟

از بین بازیگران بیشتر با خانم زهرا سعیدی و سعیده عرب ارتباط دارم. به من لطف دارند و جویای احوالم می شوند.



داشتم. هر چند که در همان ابتدا مادر بزرگ سیاوش فوت کرد، اما آنجا هم با لهجه شمالی صحبت می کردم.

۶) چه تجربیاتی از زندگی شخصی تان باعث شده است که کارگردان ها شما را برای نقش های مادری مناسب ببینند و این نقش ها چگونه بر ارتباط شما با مخاطبان تأثیر گذاشته است؟

شاید دلیلش این بوده که در تجربه زیسته ام مادری را تجربه کرده ام. کارگردان ها این نقش را برایم مناسب می بینند و مخاطبان هم می پسندند. مردم در کوچه و بازار خیلی نسبت به من ابراز محبت و از مادری هایم تعریف می کنند. اغلب می گویند که صداپتان برایمان ماندگار شده و حتی با شنیدن آن می توانیم شما را به یاد بیاوریم. می گویند صداپتان را دوست داریم.

۷) در بین بازی هایی که داشتید کدام نقش تان را بیشتر از همه دوست دارید؟

نقشم در فیلم «دهلیز» را بسیار دوست دارم. در این اثر، عطاران در نقش بهزاد، پسر را کشت و این ماجرا به شدت روی من تأثیر گذاشت. به قدری تحت تأثیر قرار گرفته بودم که صحبت نمی کردم و حتی شائبه لال شدنم به وجود آمد. نه حرف می زدم، نه گریه می کردم و نه غذا می خوردم. شیوا (هانیه توسلی) می آمد تا از من رضایت بگیرد و می گفت شوهرم را ببخش. نگار عابدی در نقش خواهر دوقلوی مقتول اجازه نمی داد که مادر با خانواده قاتل روبه رو شود و یا رضایت دهد.

در نهایت بچه قاتل (رضا عطاران) می آید و می گوید که من پنج سال است از پدرم دورم و تا حالا نمی دانستم که پدر دارم. حالا فهمیدم که پدرم زنده است و بابت کاری که کرده عذرخواهی می کنم. آنجا وقتی به او نگاه می کنم، اشک می ریزم. در آن صحنه، در سینمای برج



نقشم در فیلم

«دهلیز» را بسیار

دوست دارم. در این

اثر، عطاران در نقش

بهزاد، پسر را کشت

و این ماجرا به شدت

روی من تأثیر گذاشت.

به قدری تحت تأثیر

قرار گرفته بودم که

صحبت نمی کردم و

حتی شائبه

لال شدنم

به وجود آمد

۸) چه عاملی باعث شد که تصمیم بگیرید وارد عرصه بازیگری شوید و چگونه اولین تجربه خود را در این زمینه به دست آوردید؟

شروع کارم با تلویزیون به حدود ۲۵ سال پیش برمی گردد. سه پسر دوستان فیلمساز و هنرمند زیاد دارند. روزی یکی از دوستان پسر که کارگردان است به خانه ما آمد. آن زمان من بیننده پروپاقرص تلویزیون بودم و در تعاملات برنامه ها مثل مسابقات و خاطره گویی ها مشارکت می کردم. البته از آنجا که به جوک علاقه دارم برای هم صحبتی با مهمان ها از بدله گویی هم استفاده می کنم. کارگردانی که مهمان ما بودند، به من گفتند با این علاقه مندی ای که دارید، چرا بازی نمی کنید؟ گفتم من تجربه مناسب ندارم. ایشان گفتند که طبق تجربه من، شما خیلی باهوش هستید و توانایی بازی دارید. یک روز ماشین فرستادند دنبالم که بیا دفتر، فلانی با شما کار دارد. رفتیم دفتر آقای جوزانی. ایشان از من پرسیدند: اگر بگویند شوهرتان مجدداً ازدواج کرده، چه می کنید؟ گفتم اگر از من بهتر گرفته، فیها و اگر بدتر، پس لیاقت خودش را دارد و کاری نمی کنم!

۹) اولین تجربه شما در بازیگری با چه کاری بود و در آن اثر همکاری با چه هنرمندانی برای شما خاطره آفرید؟

اولین بار در مجموعه «آژانس دوستی» جلوی دوربین رفتم. در آن مجموعه نقش همسر مرحوم اصغر بیچاره را بازی می کردم. همکاری با مرحوم فردوس کاویانی و زنده یاد حسین پناهی از جمله افتخاراتی بود که در این پروژه نصیبم شد. از مجموعه دوستان و همکاران بازیگر آژانس دوستی افراد زیادی را از دست داده ایم. البته در پروژه های دیگری هم با جاوید نامانی مثل آقایان محمدعلی کشاورز و مرتضی احمدی هم بازی کرده ام که یادشان همیشه زنده است.

۱۰) با توجه به تعدد نقش هایی که بازی کرده اید، چگونه توانستید به خوبی لهجه ها و زبان های مختلف را در نقش های خود اجرا کنید و با چه چالش هایی در این زمینه مواجه شدید؟

من در تهران به دنیا آمدم و مادرم لبنانی است. با وجود آن که تجربه زبان و لهجه دیگری را نداشتم در مجموعه های زیادی گویش ها و حتی زبان های دیگر را بازی کرده ام. در سریال «گذر از رنج ها» باید لهجه شمالی را کار می کردم. در «به خاطر پونه» با بازی فرهاد اصلانی و هانیه توسلی، نیاز بود با لهجه ترکی صحبت کنم. آن زمان من آلمان بودم. کارگردان گفته بود هر وقت آمد ایران به من اطلاع دهید. وقتی آمدم ایران گفتند از هر کس پرسیدم چه کسی این نقش را بازی کند، همه از شما نام بردند. از آنها خواستم دیالوگ ها را برایم بنویسند و یک بار هم برایم ترجمه کنند. این طور شد که سراسر فیلم ترکی صحبت کردم. در سریال «جیران» نقش مادر بزرگ سیاوش را



همزمان با پخش «سوجان» درباره سر

قصه‌هایی با

زینب علیی‌پورطهرانی



روزنامه‌نگار

فرار از پایتخت و پناه بردن به دل طبیعت را می‌توان در قاب‌های زیبا و چشم‌نواز برخی سریال‌ها مشاهده کرد که ترجیح دادند کیلومترها از تهران دور شده و قصه‌هایشان را در استان‌های شمالی کشور مقابل دوربین ببرند. همین مسأله دلیل پرمخاطب بودن این سریال‌ها شد. چرا که مخاطب با جذابیت‌های طبیعی و گردشگری استان‌های زیبای شمالی آشنا شده و از

این رو مخاطب با اشتیاق بیشتری به تماشای این مجموعه‌ها می‌نشست. البته این موضوع در سینما هم مصداق دارد و فیلمسازان بسیاری را می‌توان نام برد که قصه‌هایشان را در لوکیشن‌های زیبای شمال روایت کرده‌اند. اما جدیدترین نمونه‌ای که در این زمینه می‌توان نام برد، مجموعه «سوجان» است که چند شبی است روی آنتن شبکه یک رفته و توانسته نظر مخاطبان بسیاری را به خود جلب کند. از این رو در این گزارش به تعدادی از سریال‌هایی که در استان‌های شمالی تصویربرداری شده‌اند اشاره می‌کنیم.

عاشقانه‌ای در جنگل

«سوجان» به کارگردانی حسین تبریزی سریالی با محوریت زندگی دختر جوانی به نام سوجان است که در فاصله زمانی سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۵۷ روایت می‌شود و حماسه جنگل را هم در بر می‌گیرد. سریال با روایت قصه‌ای عاشقانه و قدیمی توسط مادر بزرگ با بازی ثریا قاسمی شروع می‌شود و این روایت در جاهایی به زندگی نوه‌اش سوجان گره می‌خورد. این سریال حال و هوای خوبی دارد و کارگردان هم تا جایی که توانسته با لانگ‌شات‌های زیبا و چشم‌نواز در همین قسمت‌های ابتدایی از مناظر زیبای شمال و گیلان استفاده کرده است؛ سکانس‌هایی با قاب‌بندی‌های خوب از طبیعت. در کنار چهره‌های سرشناس بازیگری، هنرمندان بومی هم حضور دارند و می‌توان امیدوار بود در ادامه یک سریال متفاوت و دوست‌داشتنی را شاهد باشیم.

لوکیشن رویایی شهر باران

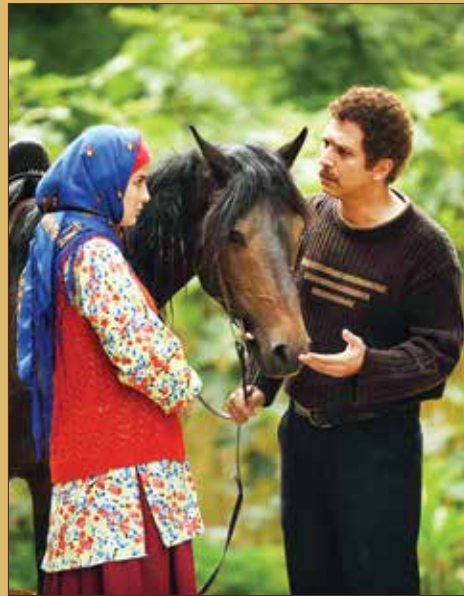
سریال «پس از باران» را می‌توان یکی از قدیمی‌ترین و جذاب‌ترین سریال‌هایی دانست که در استان گیلان توسط سعید سلطانی در سال ۱۳۷۹ ساخته شد. مجموعه‌ای که به واسطه قصه و فضایی که سازندگانش ترسیم کرده بودند، خیلی زود مورد توجه قرار گرفت. پس از باران داستان دکتر صادق مهرپور و همسرش ستاره سالاری است که در عزیمت به گیلان در یک تصادف رانندگی کشته می‌شوند. فرزندان این دو (مرضیه و مسعود) از آنجاکه به این مرگ مشکوک هستند جهت بررسی بیشتر تر به شمال سفر می‌کنند؛ هرچه از سفرشان در شمال می‌گذرد آنها اطلاعات بیشتری از رازهای خانوادگی‌شان به دست می‌آورند. این اطلاعات به نقل از مادر بزرگ‌شان شهریانو نقل می‌شود. بخش بسیار زیادی از سکانس‌های فیلم در بخش جوکندان شهرستان تالش و روستای تَرک محله و منزل شخصی آقای میرمسعودی فیلمبرداری شده است.

قصه‌های دختری به نام شیرین

حتما سریال «دنیای شیرین دریا» با بازی زنده‌یاد پوپک گلدره را به خاطر دارید. مجموعه‌ای به کارگردانی بهروز بقایی که در سال ۱۳۷۷ تولید و در گروه کودک و نوجوان پخش شد. در هر قسمت از این مجموعه تلویزیونی، دو خانواده (هفت شخصیت ثابت) هر بار با مشکل تازه‌ای درگیر می‌شوند. مطابق معمول، هر بار بچه‌های خانواده مشکلی ایجاد می‌کنند و بزرگ‌ترها با هدایت و تدبیر خود، آن را حل می‌کنند. دریا، دختری است که در این سریال دنیا پاک و ساده‌ای دارد؛ درست مثل دریا. او با خانواده و همسایه‌هایش مدام با چالش‌هایی مواجه می‌شوند که برای مخاطب دیدنی است. تمام لوکیشن‌های این سریال در شمال تصویربرداری شد و بازیگرانش هم با گویش شیرین مازندرانی صحبت می‌کردند که یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این سریال قاب‌هایی از روستایی بود که دریا در آنجا زندگی می‌کرد.

ماجراهای یک مدرسه شبانه‌روزی

استان گیلان به دلیل توان و ظرفیت‌هایی که دارد، نظر فیلمسازان بسیاری را به خود جلب کرده است. از جمله مجموعه «بچه‌های مدرسه همت» که در اشکورات گیلان مقابل دوربین رفت و رضا میرکریمی این سریال را در سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۷۶ ساخت. این مجموعه درباره تعدادی دانش‌آموز است که در مدرسه راهنمایی



«همت» به طور شبانه‌روزی تحصیل و زندگی می‌کنند و هر بار با ماجرای تازه روبه‌رو می‌شوند. قصه‌های ساده‌ای که در دل روستای این سریال می‌گذشت، در کنار شیطنت‌های کودکانه بچه‌ها فضای خوب و جذابی را به مخاطب منتقل می‌کرد و همین بهانه باعث شد تا مخاطب تا پایان، همراه کاراکترها و ماجراهای این مدرسه باشد.

سفر معلم به کوهستان

فریدون حسن پور سال ۱۳۹۷ سریالی به نام «کوبار» را ساخت که داستانش درباره معلمی جوان است که برای آموزش دادن به روستا می‌رود و در این روستا با عشق و علاقه فراوان به کودکان راه و رسم زندگی را آموزش می‌دهد و در این مسیر دشوار با اتفاقات مختلفی روبه‌رو می‌شود.

این معلم مجبور است یک سال را در دبیرستان دورافتاده‌ای در منطقه‌ای کوهستانی زندگی کند. اما او در ادامه سریال با یک پزشک دوست می‌شود که در آن منطقه به تنهایی زندگی می‌کند. از آنجاکه حسن پور گیلانی است، تسلط خوبی روی گویش، شخصیت‌ها، قصه و فضاهای این مجموعه داشت که باعث جذب مخاطب شد. در این سریال می‌شد روستای بکر و طبیعت زیبایی را مشاهده کرد که همین زیبایی سبب همراهی مخاطب تا پایان سریال با خود می‌شد.

ماجراجویی‌های توکا

راما قویدل سال ۱۳۹۱ مجموعه‌ای با عنوان «روپای گنجشک‌ها» ساخت که درباره توکا پسر بچه کوچکی است که همراه شش پسر بچه دیگر در یک مرکز بهزیستی استیجاری زندگی می‌کند. صاحب خانه این مرکز حکم تخلیه را گرفته است. خانم اشرفی و آقای کوهیار مسئولان این مرکز، نتوانسته‌اند مکانی برای بچه‌ها پیدا کنند و ناچارند بچه‌ها را به مراکز مختلف منتقل کنند. شبی در میان بازی بچه‌ها دست توکا می‌شکند، او را به بیمارستان منتقل می‌کنند. توکا در بیمارستان با پیرمرد مهربانی به نام آقاجون با کلاهی جادویی آشنا می‌شود. توکا از آقاجون به دلیل نیروی جادویی‌اش درخواست کمک می‌کند. تصویربرداری این سریال در شهرهای مختلف استان گیلان از جمله لاهیجان،



کیاشهر و رشت صورت گرفته بود و همین موضوع یکی از نقاط قوت سریال محسوب می‌شد.

داستان یک زندگی

سریال «از یاد رفته» را به خاطر دارید؟ همان مجموعه‌ای که فریدون حسن پور سال ۱۳۹۰ بر اساس رمانی به همین نام نوشته خودش ساخت و در زمان پخش با اقبال خوبی هم از جانب مخاطبانش روبه‌رو شد. داستان این مجموعه مقاومت انسان در برابر شرایط بحرانی را روایت می‌کرد. در این داستان زندگی شخصیت‌ها طی یک دوره چهار ساله تعریف می‌شد. مرتضی پورامین، جوان درسخوانی که در روستایی نزدیک دیلمان گیلان زندگی می‌کرد، دل‌داده دختری به نام گلرخ می‌شود. مرتضی که به رشته پزشکی علاقه داشت، در کنکور قبول شده و به تهران می‌رود و در این مدت با دختری به نام مینا آشنا شده و خانواده‌اش را فراموش می‌کند. بخش بسیاری از این سریال در استان گیلان ساخته شد و حسن پور باز هم با شناختی که از این استان داشت، قاب‌بندی‌های زیبایی را برای مخاطبانش در نظر گرفت.

داستان‌های نقی و خانواده

قطعا مجموعه «پایتخت» را می‌توان یکی از نمونه‌های موفق داستان که در ۶ فصل توانست مخاطبان بسیاری را با خود همراه کند. شاید پیش از این مجموعه، کمتر کسی با منطقه شیرگاه و علی‌آباد آشنایی داشت. اما پایتخت و قصه‌های نقی و خانواده‌اش نظر خیلی‌ها را به این منطقه جلب کرد. اولین بار سیروس مقدم سال ۱۳۹۰ فصل یک این مجموعه را ساخت که بخشی از آن در شمال کشور بود و باقی داستان در تهران می‌گذشت. اما کم‌کم این سریال جا افتاد و کارگردان و گروهش ترجیح دادند در همان شیرگاه بیشتر قصه‌هایشان را تعریف کنند. حال شنیده شده که گروه سازنده مشغول ساخت فصل هفتم این مجموعه هستند.

رستوران متروکه در شمال

مرد ثروتمندی در آستانه ورشکستگی است و به دلیل هزینه‌های بالای خانواده خود نمی‌تواند کار خود را پیش

شکاکش او ناخواسته باعث مرگ یک شکارچی غیرقانونی می شود و حکم اعدام می گیرد. افرا توانسته بود بخشی از مشکلات کاری و زندگی محیطبانان شریف را به تصویر بکشد. از همین رو اغلب لوکیشن های این سریال در جنگل های زیبای گیلان بود.

❖ قصه شیرزن گیلانی

احمد کاوری سال ۱۳۹۸ تصمیم گرفت داستان شیرزن گیلک و قهرمانی به نام «وارش» را به تصویر بکشد که با همه مشکلات دست و پنجه نرم می کند و با این حال می ایستد و در بین این ناملیمات قد می کشد. در فصل نخست مجموعه، بخش های مربوط به دهه های ۳۰ و ۴۰ فیلمبرداری شد. فصل دوم هم به دهه ۵۰ و حوادث منتهی به پیروزی انقلاب و تأثیرات آن بر فضای داستان و سرنوشت شخصیت ها می پرداخت. این مجموعه اقتباسی از رمان مطرح «مهاجران» اثر هاوارد فست بود. اغلب لوکیشن های این سریال در روستایی در شمال کشور مقابل دوربین رفت و الهام طهموری و نسرين بابایی نقش وارش را در دو مقطع سنی بازی کردند.

❖ ازدواج خون بس

شاید کمتر سریالی در استان گلستان ساخته شده باشد و مخاطب با قصه ها و جذابیت ها و حتی مشکلات مردم این استان زیاد آشنا نشده باشد اما سیروس حسن پور در سال ۱۳۹۷ سریال «بازی نقاب ها» را در بندر ترکمن کلید زد و مخاطبان را با فرهنگ و تمدن قوم ترکمن آشنا کرد. داستان از این قرار بود که دو طایفه ترکمن یکی در کاراسب و دیگری در کارگندم، بعد از سال ها نزاع و درگیری خونین، تصمیم به مصالحه گرفتند و دو جوان از این دو طایفه که پدران شان به دست هم کشته شده اند، با هم وصلت کردند.

❖ رقابت بر سر یک عشق

«گیل دخت» عنوان مجموعه ای بود در ژانر درام تاریخی به کارگردانی مجید اسماعیلی که سال ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۰ ساخته شد و از تولیدات مرکز فیلم و سریال معاونت برون مرزی سازمان صداوسیما بود. داستان سریال از این قرار بود که آصف میرزا، برادرزاده مظفرالدین شاه در پی به دست آوردن دل گلنار دختر تقی خان بود اما خاطرخواهی او رنگ و بویی از عشق حقیقی نداشت. آصف، رقیبی سرسخت به نام اسماعیل میرشکار داشت که از قضا گلنار نیز دلخواه او بود. گیل دخت به واسطه داستان و لوکیشن هایش در شمال کشور توانست مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گیرد.

❖ یک مهاجرت معکوس

محمد رضا حاجی غلامی سال ۱۴۰۰ مجموعه ای به نام «روزهای آبی» را ساخت که قصه آن پیرامون خانواده ای بود که بنا به دلایلی از شهر به روستایی در شمال کشور می روند و تغییر سبک زندگی شان دست مایه اصلی داستان می شود. در این سریال مهاجرت معکوس را شاهد بودیم که می تواند الگوی خوبی برای عده ای از خانواده ها باشد که توان زندگی در پایتخت را ندارند و به ناچار به روستا سفر کرده، در آنجا اقامت می کنند و با مشکلات و ماجراهای بسیاری دست و پنجه نرم می کنند.

❖ دعوت به ساده زیستی

«خانواده دکتر ماهان» مجموعه ای به کارگردانی مشترک رامنا قویدل و علی محمد قاسمی است که سال ۱۳۹۸ ساخته شد. این مجموعه در ستایش زندگی و خوشبختی خانوادگی است؛ داستانی که مخاطبش را به ساده زیستی داوطلبانه دعوت می کند. از منظر دکتر ماهان که یک دامپزشک است، زندگی یک راه نرفته و ناشناخته است از همین رو امیر عطش و التهایی دارد تا همسر و فرزندان نوجوانش را با خود در ماجراجویی شنیدن نوای اسرارآمیز طبیعت و پاسداری از زیست بوم همراه کند. خانواده دکتر ماهان به شمال کشور سفر می کنند و با اتفاقات جذاب زندگی در روستا روبه رو می شوند.

یال هایی نوشتیم که در شمال کشور مقابل دوربین رفتند

بوی جنگل و دریا



استقامت از رنج ها و سختی های زندگی، گذر می کرد. این مجموعه هم در استان گیلان مقابل دوربین رفت.

❖ مادر فرزندی گیسو و رهی

داریوش باری در سال ۱۴۰۰ مجموعه ای به نام «در کنار پروانه ها» را ساخت و در این سریال، داستان «رهی» را حکایت می کرد که در کنار بیماری حاد قلبی، رنج و مشکلات پی در پی او را به جوانی ناامید تبدیل کرده بود. او برای نجات تنها دلخوشی زندگی اش که خواهرش بود، طعمه نقشه ای می شد که ... این سریال هم در شمال ساخته شد و زنده یاد پروانه معصومی در آن نقش مادری گیلانی و دوست داشتنی، مقتدر و مهربان به نام گیلسورا بازی می کرد. این مجموعه در روستایی در استان گیلان فیلمبرداری شد. با همه ویژگی هایی که در طبیعت و آب و هوایش داشت و بسیار هم مورد توجه مخاطبانش قرار گرفت.

❖ پناه بردن به کلبه ای روستایی

«کلبه ای در مه» مجموعه ای به کارگردانی حسن لفافیان بود که سال ۱۳۹۹ ساخته شد. نام این سریال ابتدا «می جان» بود اما با شیوع بیماری کرونا و تأخیر در ساخت، عوامل و کارگردان این سریال تغییر کرد و نام سریال هم کلبه ای در مه شد. داستان این سریال در اوایل پیروزی انقلاب اسلامی و در روستایی در گیلان می گذشت؛ زمانی که پسری جوان که بعد معلوم می شود فعال سیاسی است و ماموران ساواک به دنبال او هستند، زخمی و بد حال به روستا می آید و می جان و نامادری اش تصمیم می گیرند جوان زخمی را در کلبه ای که کسی از وجود آن خبر ندارد، مخفی کنند. اتفاقاتی که پیرامون آن فرد می افتد، داستان سریال را رقم می زند.

❖ مصائب یک محیطبان

مصائب و مشکلات یک محیطبان درونمایه سریالی به نام «افرا» بود که بهرنگ توفیقی آن را در سال ۱۴۰۰ ساخت. لوکیشن های این سریال در استان گیلان و به خصوص لاهیجان بود. سریال داستان مسعود، محیطبانی بود که از زندگی با همسرش مهتاب ناراضی به نظر می رسید. در این



ببرد. در همین زمان رستوران متروکه ای در شمال کشور به عنوان ارث به همسر این مرد می رسد. محبوبه، همسرش خانواده را راضی به رفتن به شمال و اداره این رستوران برای سر و سامان دادن دوباره به زندگی شان می کند. این داستان مجموعه ای به نام «جاده چالوس» بود که احمد معظمی آن را سال ۱۳۹۳ ساخت. نقطه قوت سریال فاصله گرفتن از لوکیشن های شهری و به دل طبیعت زدن بود که فضای بکر و شیوه زندگی مردم را در طبیعت نشان داد.

❖ زندگی در یک رستوران جاده ای

پونه و امیر، زوج جوانی هستند که به دلایل مختلف از جمله مشکل تنفسی پونه و اخراج امیر از محل کارش تصمیم می گیرند برای زندگی به شمال ایران بروند. آنها با مشکلات بسیار پول خرید زمینی در آن منطقه را فراهم می کنند ولی وقتی به شمال می روند، متوجه می شوند بنگاه معاملاتی که از طریق آن زمین را خریده اند، کلاهبردار بوده است. آنها تلاش می کنند تا به نحوی زندگی خود را از طریق رستوران تأمین کنند. در این بین آن دو با ماجراهایی مواجه می شوند. این سریال را سیروس مقدم سال ۱۳۸۳ ساخت و جزو آثاری بود که کارگردان بیشتر داستانش را در شمال کشور و جاده روایت کرد. دقیقا یکی از نکات مثبت سریال همین مسأله بود. باران های شمال و مشکلاتی که پس از سیلاب به وجود می آمد و گردشگرانی که زباله های خود را در طبیعت رها می کردند از درونمایه های این سریال بود.

❖ یک درام تاریخی جذاب

فریدون حسن پور بار دیگر شمال کشور را برای روایت داستانش انتخاب کرد و سال ۱۳۹۳ مجموعه «گذر از رنج ها» را ساخت. این مجموعه، قصه زندگی بانویی به نام دنیا از تولد تا مرگ بود. این مجموعه درام تاریخی داستان زندگی دنیا را از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۶۹ به نمایش درآورد و به تغییرات سیاسی ایران هم توجه شده بود. در این مجموعه به ماجراهای خان ها و رعیت ها توجه می شد و این که چنین رویدادهایی باعث شد آگاهی مردم نسبت به مشکلات روز بیشتر شود. در این سریال با یک قهرمان زن گیلانی مواجه می شدیم با

درباره سریال شبکه تماشا که روایتی از مبارزات ضد نژادپرستی دارد

ماجراجویی در تشکیلات زیرزمینی

حمید چادردوز

از اهالی قلم

سریال «تشکیلات زیرزمینی» در ژانر تاریخی - ماجراجویانه که به تازگی روی آنتن شبکه تماشا رفته، بین سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ تولید شده است. این سریال داستان گروهی از سیاهپوستان را روایت می‌کند که برای فرار از ظلم و ستم اربابان سفیدپوست، نقشه‌ای برای فرار طراحی می‌کنند. کارگردانی تشکیلات زیرزمینی به عهده آنتونی همینگوی و چند کارگردان دیگر بوده است.

قصه‌ای از دیروز

در این سریال می‌بینیم که قهرمانان داستان با نام‌های مختلف و سرنوشت‌های متفاوت، با یکدیگر هم پیمان می‌شوند تا از زنجیرهای بردگی بگریزند. آنها با چالش‌ها و خطرات زیادی روبه‌رو هستند، از جمله شکارچیان برده و شرایط سخت طبیعی. هر مرحله از سفر آنها، پر از تصمیمات سخت و لحظات هیجان‌انگیز است که نه تنها آزادی آنها بلکه سرنوشت نزدیکان شان را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. با پیشرفت داستان، روابط عاطفی و دوستی‌ها بین شخصیت‌ها عمیق‌تر شده و مخاطب با احساسات و انگیزه‌های آنها در جست‌وجوی آزادی آشنا می‌شود.

دست‌اندرکاران تشکیلات

بازیگرانی همچون جورنی اسمولت، آلدیس هودج، جسیکا دگو، آلانو میلر، کریستوفر ملونی، امیره وان، رید دیاموند، میشل البین و... در این اثر ایفای نقش کردند. همان‌طور که اشاره شد چند کارگردان پشت این اثر قرار دارند. آنتونی همینگوی، کیت وودز، تیم هانتز، رومنو تیرون، کریستوفر ملونی، سالی ریچاردسون - ویلفیلد، لورنس تریلینگ و گرگ یاتانس کارگردانان سریال هستند. میشا گرین، جو بوکاسکی، جنیفر ییل، تیفانی گرشل و بن کوری جونز نیز گروه فیلمنامه‌نویسان را تشکیل می‌دهند.

شهرت با یک نقش

همان‌طور که اشاره شد آلدیس هودج از بازیگران اصلی این سریال است. وی متولد ۲۰ سپتامبر ۱۹۸۶ در شهرستان اونسلاوی آمریکا یک بازیگر برنده جایزه SAG است که با استعداد چندمنظوره‌اش در فیلم و تلویزیون شناخته می‌شود. او بازی در سریال تشکیلات زیرزمینی به شهرت رسید. در این سریال، او نقش نوح را ایفا می‌کند؛ برده‌ای که تحت فشار و بی‌قراری در مزارع مکنون زندگی می‌کند

و به دنبال آزادی است.

نوح یکی از اعضای مکنون ۷

است؛ گروهی از برده‌های فراری

که برای گریز از ظلم و ستم می‌کوشند.

جورنی اسمولت، یکی دیگر از بازیگران

این سریال نقش یک برده جوان و خجالتی را بازی می‌کند

که در تلاش برای فرار از ظلم و ستم در مزارع مکنون است.

وی با قدرت بازیگری و توانایی ایجاد احساسات عمیق

در مخاطب توانست به یکی از چهره‌های برجسته این

سریال بدل شود.

جسیکا دوگاو، ایفاگر یکی دیگر از قهرمانان قصه است. این بازیگر

با استعداد استرالیایی که بیشتر به خاطر نقش آفرینی در تلویزیون

شناخته می‌شود در سریال تشکیلات زیرزمینی، نقش الیزابت

هاوکس، یک جامعه‌شناس با آرمان‌های ضد برده‌داری را دارد.

وی با این نقش تأثیرگذار، به داستانی پر از چالش و جست‌وجوی

آزادی عمق می‌بخشد.

آلانو میلر هم در سریال تشکیلات زیرزمینی نقش کاتو، یک برده با

شخصیتی کاریزماتیک را بازی می‌کند. اجرای فوق‌العاده او در این

نقش، تحسین‌های زیادی را از منتقدان و مخاطبان برانگیخت.

رازهای دیده‌شدن

سریال هم از نظر بازیگری و هم به لحاظ شخصیت‌پردازی دست بالا

را دارد و به همین خاطر توانسته امتیاز ۸ از ۱۰ را از سایت تخصصی

IMDB کسب کند. همچنین از دیگر عوامل موفقیت اثر می‌توان به

قصه آن اشاره کرد که برگرفته از تاریخ واقعی زندگی سیاهپوستان و

ستم‌های روا شده به آنان است. این سریال در دو فصل و مجموعاً

۲۰ قسمت توانست مخاطبان را در سراسر دنیا با خود همراه کند.

در رسانه ملی نیز پیش از این از شبکه چهار سیما پخش شده بود

و به تازگی راهی آنتن شبکه تماشا شد.



قهرمانان داستان

با نام‌های مختلف و

سرنوشت‌های متفاوت،

با یکدیگر هم پیمان

می‌شوند تا از زنجیرهای

بردگی بگریزند. آنها

با چالش‌ها و خطرات

زیادی روبه‌رو هستند،

از جمله شکارچیان برده

و شرایط سخت طبیعی



نقل‌هایی از دست‌اندرکاران رادیو اقتصاد که به رشد و آموزش مردم توجه ویژه‌ای دارند

مسیری نوپیش روی امواج اقتصاد



دارد که در راستای پیشرفت و عدالت‌گستری اقتصادی گام‌های بلندی در جهت ترویج فرهنگ کارآفرینی، کمک به راه‌اندازی کسب‌وکار و... بردارد. در این نوشتار با چند نفر از مدیران این شبکه رادیویی به گفت‌وگو نشستیم.

از این رو معاونت صدا از سال ۱۳۸۶ با راه‌اندازی شبکه رادیویی اقتصاد، اولویت اصلی آن را به عنوان یک رادیوی تخصصی برای تولید برنامه‌هایی با موضوع اقتصاد قرارداد. این شبکه به عنوان رسانه‌ای گرم و تخصصی افتخار

امروزه موضوع اقتصاد فقط منحصر به متخصصان، نخبگان، مسئولان اقتصادی کشور، فعالان اقتصادی، صنعتی و... نیست، بلکه عامه مردم هم نسبت به گذشته بیشتر با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند؛

مریم کریمی
از اهالی رادیو



مورگان طورسوادکوهی مدیر گروه اقتصاد و جامعه

رادیو اقتصاد در راستای عدالت‌گستری، امیدبخشی و پیشرفت و با تاکید بر جهاد تبیین به بررسی، تحلیل و اطلاع‌رسانی رویدادهای اقتصادی جامعه می‌پردازد. با توجه به تأثیرات متقابل جامعه و اقتصاد، یکی از اهداف ما در گروه اقتصاد و جامعه، توانمندسازی خانواده‌ها



به عنوان رکن مهم تصمیم‌ساز جامعه در حوزه اقتصاد خرد است که از طریق برنامه‌های مختلف با به‌کارگیری آموزه‌های ساده اقتصادی و فرهنگ‌سازی در خانواده‌ها صورت می‌گیرد. برای استفاده صحیح و بهینه از منابعی مانند انرژی، منابع طبیعی، مالی و... که لازمه رشد تولید و پیشرفت اقتصادی است، برنامه‌های ترویجی اصلاح الگوی مصرف تدارک دیده شده که در قالب‌های جذاب رادیویی تهیه و پخش می‌شود. در این شبکه برنامه‌های آموزشی و مشاوره‌ای در حوزه‌هایی نظیر مدیریت، کارآفرینی و حقوق تجارت تولید می‌شود. این برنامه‌ها که در دورترین نقاط کشور قابل دسترسی است، تلاشی برای ارتقای سواد اقتصادی جامعه و تحقق عدالت آموزشی در کشور است. همچنین در راستای بیانیه گام دوم انقلاب و سرعت بخشیدن به روند رشد و توسعه اقتصادی کشور، ما الگوهای موفق از جوانان کارآفرین و خلاق و سبک کار و زندگی آنان را به شنوندگان معرفی می‌کنیم. شبکه اقتصاد در خصوص ترویج سیاست‌های جمعیتی نیز اهتمام دارد و ضرورت وجود جمعیت جوان و پویا از دیدگاه توسعه اقتصادی تبیین و در تعامل با مردم و صاحب‌نظران بررسی می‌شود. در پایان امیدوارم رادیو اقتصاد جوابگوی نیاز مخاطبان باشد؛ لازمه این مسأله پایش مستمر خواسته‌های آنها و تطبیق با ظرفیت‌های رادیو اقتصاد است که همکاران پرتلاش ما آماده دریافت نظرات و پیشنهادها می‌باشند. شنوندگان از طریق مسیرهای ارتباطی این شبکه هستند. رادیو اقتصاد را روی موج اف.ام.ردیف ۹۸ مگاهرتز بشنوید.

طاہرہ جولانی مدیر گروه کسب‌وکار و کارآفرینی

آگاهی اقتصادی مردم به عنوان سرمایه‌های انسانی و اجتماعی در زیست‌بوم کسب‌وکار بسیار اهمیت دارد. هدف گروه کسب‌وکار و



کارآفرینی تولید محتوای رسانه‌ای برای ارتقای فضای کسب‌وکار کشور است. در این راستا تمرکز ویژه‌ای بر اقتصاد روستاها و مناطق کم‌برخوردار در جهت عدالت‌گستری و محرومیت‌زدایی داریم و به بازتاب فعالیت‌های جهادی جوانان توانمند در جهت توسعه اقتصاد پایدار و فقرزدایی می‌پردازیم. در خصوص استفاده از ظرفیت‌های استانی و هم‌افزایی در تولیدات رادیویی نیز اقدامات قابل توجهی انجام داده‌ایم. رادیو اقتصاد در جهت هم‌راستایی با سند تحول، تولید برنامه‌های مستند کوتاه را نیز در دستور کار قرار داده است. ما در این گروه، برنامه‌هایی با ساختار مینی‌فیچر و با موضوعات متنوع تولید کرده‌ایم که خوشبختانه بسیار مورد استقبال مخاطبان واقع شده و اخیراً در جشنواره ملی «ده‌آباد» رتبه برتر را در این زمینه کسب کردیم. همچنین در این شبکه به صورت فعال ایده‌ها و محتوای تولید شده توسط شنوندگان رصد شده و با تحلیل محتوای به دست آمده، موضوعات مورد علاقه مخاطبان برای طراحی برنامه‌های آتی استخراج می‌شود.

مهدی شیار قائم‌مقام و مدیر گروه حکمرانی اقتصادی

رادیو اقتصاد همواره تلاش می‌کند با رویکرد مطالبه‌گرایانه، پیگیر خواسته‌ها و انتظارات مردم باشد و صدای آنها را به گوش مسئولان برساند؛ از این رو سعی داریم در گفت‌وگوها و مناظره‌ها، راه برای شکل‌گیری یک گفت‌وگوی ملی و همدلی



مؤثر برای حل چالش‌های اقتصادی کشور فراهم شود. هدف اصلی گروه حکمرانی اقتصادی، تبیین و تشریح سیاست‌های کلان اقتصادی، برنامه‌های راهبردی، قوانین و مقررات مرتبط با اقتصاد برای آگاهی عموم مردم و فعالان اقتصادی است. توجه به تفکر اسلامی و اندیشه انقلابی برای ترویج و معرفی دقیق اقتصاد اسلامی و نقد مکاتب اقتصادی غربی، اولویت ما در تنظیم برنامه‌هاست. همراه با فعالیت‌هایی که برای تحول محتوایی انجام می‌شود، سازوکار و رویکردهای این رسانه نیز با این تحولات همراه است. در این راستا شبکه مجازی رادیو اقتصاد که پشتیبانی از محتوای تولید شده را از طریق سایت و شبکه‌های اجتماعی مدیریت می‌کند، در این روند تحولی‌گسترش پیدا کرده و کیفیت فعالیت‌های آن بهبود یافته است. فضای مجازی این شبکه علاوه بر انتشار محتوای تولید شده در سایت و کانال‌های رسمی خود، گزیده اخبار مهم منتشر شده در رسانه‌های اقتصادی را نیز بازتاب می‌دهد؛ به این ترتیب نیاز رسانه‌ای مخاطبان برای اطلاعات و اخبار تخصصی اقتصادی از منابع مختلف در یک سکوی واحد در دسترس قرار دارد. هر چند رادیو اقتصاد به عنوان یک رسانه شنیداری تعریف شده ولی استقبال رسانه‌های مختلف در باز نشر محتوا و اخبار تولید شده در این شبکه، گامی در جهت تثبیت جایگاه این رادیو در میان انواع رسانه‌های اقتصادی بوده است.

آگهی مزایده ۱۴۰۳/۳۴۷۳

مرکز فروش کوثر در نظر دارد
تعداد ۲۰۰ دستگاه خودرو سبک، سنگین
ماشین آلات راهسازی زیر را از طریق مزایده حضوری
به فروش رساند.

خودرو حضور

تویوتا استیشن پرادو، نیسان کامیونت ون ۲۴۰۰، جیب سفیر، مزدا وانت پیکان وانت، کفی تریلی، مینی بوس هیوندای کروزر، لیفتراک، تینان تریلی کش، مان تریلی کش، بنز کامیون تریلی کش ۲۶۳۵، بنز کامیون ۹۱۱ بنز مینی بوس LO۹۱۵، تویوتا وانت و استیشن لندکروز

آدرس محل بازدید: تهران، شهرک استقلال، خیابان دکتر عبیدی، خیابان جلال، موقعیت شهید عبادیان
تلفن تماس: ۰۹۱۲۳۷۱۱۵۹۸-۰۹۲۱۳۶۶۱۵۴۶

جرثقیل ۱۰۰ تنی آمریکن ۷۲۶۰، تویوتا وانت هایلوکس
آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۶ جاده مخصوص کرج، آمادگاه المهدی (مخ)
تلفن تماس: ۰۹۲۱۱۶۴۴۵۹۴

پمپ شوئینگ، لودر کوماتسو، بیل مکانیکی لیبر
آدرس محل بازدید: تهران، رباط کریم، بلوار یادگار امام (د)، میدان شهید حسن آشناسان، روبروی جایگاه سوخت CNG، آمادگاه هلدینگ راه و شهرسازی
تلفن تماس: ۰۹۱۱۹۵۴۵۲۷۴

تنوع خودرو: بنز اتوبوس C۴۵۷، ایسوزو مینی بوس سحر، مزدا وانت بنز مینی بوس ۳۰۹، تویوتا وانت هایلوکس، رنو سواری تندر ۹۰، تویوتا وانت و آمبولانس FJ۷۵، تویوتا وانت و استیشن لندکروز، بنز کامیون ۲۶۲۴ و ۲۶۲۸ پراید سواری، نیسان کامیون پمپ بتون، مینی بوس هیوندای کروزر، سمند سواری، کفی تریلی، باب کت مینی بیل مکانیکی، بنز کامیون خاور، فولکس واگن، تیتان کامیون تریلی کش، پیکان وانت، ولو تریلی کش N۱۲، کاپرا وانت، جفنگ کامیون جرثقیل، لودر کوماتسو W۱۲۰، بنز اتوبوس ۳۰۲ ایویکو مینی بوس، نیسان کامیونت ون ۲۴۰۰، بنز اتوبوس ۳۵۵، شهاب اتوبوس رهرو، ووگل فینیشر آسفالت، ولو کامیون کشنده FH۴۴۰، بنز سواری کار MB۱۴۰، ایویکو کامیون کشنده، پژو سواری (۴۰۵، روآ، آردی و پارس)

آدرس محل بازدید: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال بلوار دکتر عبیدی، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی، آمادگاه شهید هاشمی نژاد، مرکز فروش کوثر، تلفن تماس: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵

تویوتا وانت و آمبولانس FJ۷۵، تویوتا وانت هایلوکس، پژو سواری ۴۰۵

۴) در صورت انصراف خریدار، سپرده به نفع فروشنده ضبط خواهد شد.
۵) خریدار مکلف است علاوه بر قیمت خرید، ۲٪ بابت هزینه های جانبی مزایده و ۱۰٪ بابت مالیات بر ارزش افزوده به فروشنده پرداخت نماید.
۶) فروشنده در رد یا قبول پیشنهادها مختار می باشد.
۷) کلیه هزینه های پس از فروش اعم از بیمه، مالیات، عوارض شهرداری، دریافت تاییدیه معاینه فنی و هزینه های تعویض پلاک و نیز انجام امور اداری مربوطه به عهده خریدار می باشد.

الف) شرایط مزایده:
۱) اهلیت قانونی خریدار (همراه داشتن اصل و کپی کارت ملی الزامی می باشد).
۲) خریدار موظف است به محض برنده شدن ۱۰٪ قیمت خرید را به عنوان سپرده به صورت نقد از طریق کارت های بانکی عضو شبکه شتاب (به نام شخص خریدار) و یا چک پول پرداخت نماید.
۳) بابت پرداخت سپرده بالاتر از مبلغ دو میلیارد ریال تهیه چک رمزدار یا ارائه چک شخصی صیادی ثبت شده به نام مرکز فروش کوثر به میزان ۱۰٪ قیمت پیشنهادی الزامی است.

ب) زمان و مکان:

زمان بازدید مزایده: روزهای یکشنبه و دوشنبه ۲۷ و ۲۸ آبان ماه ۱۴۰۳ صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶
زمان برگزاری مزایده: روز سه شنبه ۲۹/۰۸/۱۴۰۳ ساعت ۸ صبح
آدرس محل برگزاری مزایده: تهران، کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج، شهرک استقلال، بلوار دکتر عبیدی، جنب درمانگاه شهید صنیع خانی
آمدگاه شهید هاشمی نژاد، مرکز فروش کوثر، تلفن تماس: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۲۵
ساعت پاسخگویی صبح از ساعت ۸ الی ۱۲ و عصر ۱۴ الی ۱۶ مدیریت خدمات پس از فروش: ۰۲۱-۴۴۵۴۹۱۱۶-۷

کارت خودرو سواری پژو 206TU5 مدل ۱۳۹۴ به رنگ قرمز سبز متالیک شماره انتظامی ایران ۵۳-۱۸۹-۲۴ شماره موتور 163B0178818 شماره شاسی NAAP13FE4FJ316030 به مالکیت حسام الدین نیک خواه مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سند کمیاتی و سند برگ سبزه خودرو پژو پارس مدل ۹۳، رنگ سفید، شماره پلاک ۶۵۳ م ۹۹ ایران ۳۸، شماره موتور 124K0366283، شماره شاسی NAAN01CA3EH107759 به نام مصطفی نوری مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

کارت خودرو سواری تویوتا تیپ GLX-2500cc مدل ۲۰۱۳ رنگ سفید روغنی به شماره موتور 2ARU014071 شماره شاسی 6T1BF9FK6DX443898 به شماره پلاک ۸۸۱-۶۶ س ۱۲ به نام علی معصومی مفقود و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

آگهی فقدان مدرک تحصیلی
مدرک فارغ التحصیلی اینجانب علیرضا یزدی فرزند محمدرضا به شماره شناسنامه و ملی ۱۳۷۱۰۵۹۳۲۰ صادره از افغانستان در مقطع کارشناسی رشته حقوق واحد دانشگاهی میمه مفقود گردیده است و فاقد اعتبار می باشد. از یابنده تقاضا می شود اصل مدرک را به میمه دانشگاه آزاد اسلامی میمه ارسال نماید.

کارت خودرو سواری سمند LX-EF7 مدل ۱۳۹۴ رنگ آبی متالیک به شماره پلاک ۷۱۹ د ۵۴ ایران ۵۶ و شماره شاسی NAACR1HE5EF585325 و شماره موتور 147H0112688 به نام زیلا مامقانی مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

سازمان آگهی ها روزنامه جام جم
۴۹۱۰۵۰۰۰
daneshpayam.agahi@gmail.com